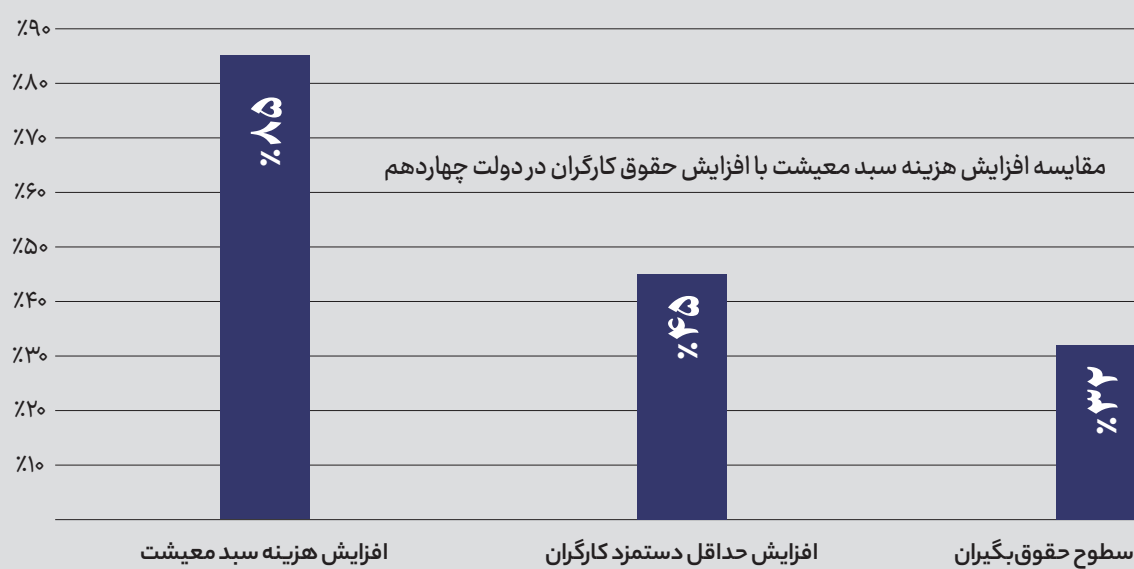


چارسوگ

سبد معیشت کارگران
۵۰ درصد گران شد

✂ در ۱۵ ماه نخست فعالیت دولت چهاردهم، سبد معیشت خانوارهای کاری نسبت به رقم پایان دولت سیزدهم، بیش از ۲۴ میلیون تومان معادل ۸۵ درصد گران‌تر شده است. این در حالی است که حداقل حقوق کارگران در سال جاری ۴۵ درصد و دستمزد سایر سطوح حقوق‌بگیر کارگران هم ۳۲ درصد افزایش یافته است. بنابراین قدرت خرید کارگران در دولت چهاردهم تاکنون کمتر از نصف شده است. با توجه به تداوم گرانی‌ها تا پایان سال و ثابت ماندن حقوق کارگران، طبیعی است در ماه‌های آتی وضعیت قدرت خرید کارگران بدتر هم خواهد شد.

تاثیر روانی سه‌نرخ شدن
بنزین بر نرخ ارز

✂ یک کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با ایسنا، علت گران شدن ارز در روزهای اخیر را آثار روانی سه‌نرخ شدن بنزین اعلام کرد.

به گزارش ایسنا، نوسانات هفته‌های اخیر قیمت ارز به ایجاد برخی انتظارات تورمی منجر شده که یک کارشناس اقتصادی، دلایل اصلی رشد قیمت ارز را مسائل سیاسی، کاهش ارز حاصل از صادرات و سه‌نرخ شدن قیمت بنزین عنوان کرد. نوسانات بازار ارز در روزها و هفته‌های اخیر، بار دیگری یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصادی کشور تبدیل شده است. افزایش نرخ دلار و واکنش سریع بازار به اخبار و تحولات مختلف، این پرسش را پررنگ‌تر کرده که چه عواملی بیشترین نقش را در شکل‌گیری انتظارات افزایشی ایفا می‌کنند. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بازار ارز تنها تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی کلاسیک مانند عرضه و تقاضا قرار ندارد، بلکه مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، روانی و انتظاری نیز می‌تواند روند‌های قیمتی را تغییر دهد. در چنین شرایطی، بررسی پیوند میان تحولات سیاسی، فضای روانی جامعه و متغیرهای اقتصادی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند؛ به‌ویژه آنکه اخبار مربوط به تحریم‌ها، تنش‌های منطقه‌ای و تصمیمات داخلی اقتصادی می‌تواند انتظارات تورمی را تشدید کرده و رفتار فعالان بازار را تحت تأثیر قرار دهد. در همین راستا، حسین امیری، کارشناس اقتصاد-با اشاره به اینکه عدم تحقق برخی انتظارات اقتصادی یکی از مهم‌ترین دلایل التهاب فضای بازار است که زمینه‌ساز رشد نرخ دلار هم شده است، گفت: کاهش بازگشت ارزهای حاصل از صادرات نفت و پتروشیمی نیز نقش قابل توجهی در تغییرات اخیر نرخ دلار ایفا کرد که با توافقات جدید با بانک مرکزی احتمال افزایش عرضه ارز و تعدیل قیمت‌ها وجود دارد.

وی با اشاره به افزایش نرخ ارز در روزهای اخیر اظهار کرد: در واقع مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی باعث شد تا بازار در روزهای گذشته با نوسانات قابل توجهی مواجه شود. به گفته این کارشناس اقتصادی، روند بازگشت ارز هم طی هفته‌های گذشته کندتر شده بود که این موضوع مستقیماً خود را در افزایش قیمت‌ها نشان داد.

امیری تأکید کرد: نمی‌توان تأثیر تحریم‌ها را بر مشکلات اقتصادی اخیر نادیده گرفت؛ چراکه این محدودیت‌ها اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده و بسیاری از صنایع را با چالش‌هایی مواجه کرده است.

وی ادامه داد: عوامل غیراقتصادی نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نوسانات بازار ارز داشته‌اند؛ از جمله اخبار مربوط به تنش‌های سیاسی، تحولات منطقه‌ای، درگیری‌های نظامی و مسائل سیاسی که معمولاً انتظارات تورمی را تشدید می‌کنند و به افزایش قیمت ارز منجر می‌شوند.

این کارشناس اقتصادی همچنین انتظارات تورمی ناشی از برخی خبرهای داخلی مانند سه‌نرخ شدن بنزین را یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رفتار بازار دانست و افزود: هنگامی که جامعه تصور کند قیمت‌ها در حال افزایش است، تقاضای احتیاطی برای ارز هم بالا می‌رود.

امیری درباره راهکارهای کنترل بازار ارز توضیح داد: اگر بانک مرکزی و دولت با بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی خود بتوانند انتظارات تورمی را به درستی مدیریت کنند و آرامش روانی را به بازار بازگردانند، رشد غیرمنطقی نرخ دلار هم متوقف خواهد شد.

او تأکید کرد: برای کاهش حساسیت جامعه نسبت به نرخ دلار و دستیابی به کنترل پایدار انتظارات تورمی، باید توجه واقعی به بخش‌های مولد اقتصاد-از جمله تولید و صنعت-معطوف شود؛ در این صورت می‌توان به ثبات اقتصادی بلندمدت امیدوار بود.

فروشگاه‌گردی
دختر و داماد پزشکیان
در قزاقستان

✂ حضور دختر و داماد مسعود پزشکیان در یک مرکز مد و لباس در جریان سفر اخیر به قزاقستان، مورد توجه مردم قرار گرفته است.

براساس فیلمی که از دختر و داماد پزشکیان منتشر شده، آنها در مرکز خانه مد «تربیه اولتیک کیم» که لباس‌های قزاقی ارائه می‌دهد در آستانه (مرکز قزاقستان) حاضر شده‌اند. رسانه «نوبنیاد» در این زمینه نوشت: در حالی که گرانی‌های ورکوردشکنی‌های قیمت طلا و دلار موجب تحمیل فشارهای سنگین معیشتی به مردم شده است، دختر و داماد رئیس دولت در سفرهای خارجی به گردش در فروشگاه‌ها مشغول هستند!

وزیر جهاد کشاورزی:
نباید قیمت‌ها را کنترل کنیم؛
خودکسبه و فروشندگان
انصاف داشته باشند!

✂ در شرایطی که تورم مواد خوراکی به ۶۶ درصد رسیده، وزیر جهاد کشاورزی دولت پزشکیان مدعی شد که به خاطر توسعه کشور نباید قیمت‌ها را کنترل کرد.

غلامرضا نوری قزلجه در گفت‌وگویی که از او در تلویزیون منتشر شد، درباره علت قیمت بالای مواد خوراکی در آستانه شب یلدا تصریح کرد که دولت نباید اقدام به کنترل قیمت آجیل و میوه کند و عرضه و تقاضا تعیین‌کننده قیمت است.

او در ادامه تصریح کرد: بهتر است کسبه و فروشندگان انصاف داشته باشند و کالاها را با قیمت مناسب به دست مردم برسانند.

خبر



کمبود زمین برای ساخت مسکن قابل پذیرش نیست

حسین راغفر، اقتصاددان، بارداعای کمبود زمین برای ساخت مسکن تأکید کرد ریشه بحران مسکن نه در فقدان زمین، بلکه در سیاست‌گذاری غلط، رهاشدگی وظایف قانونی دولت‌ها و حذف مشارکت مردمی است. حسین راغفر، اقتصاددان و استاد دانشگاه گفت: «مسئله مسکن که یک تکلیف قانونی در قانون اساسی است، عملاً توسط دولت‌های مختلف نادیده گرفته شده است. قانون اساسی نیز تصریح دارد که دولت موظف است ظرفیت‌های لازم برای تأمین مسکن خانوارها را فراهم کند. همه ظرفیت‌های لازم برای رفع مشکل مسکن وجود دارد و این کار باید با مشارکت مردم و از طریق تعاونی‌های مسکن انجام شود؛ همان‌طور که در دهه اول انقلاب اتفاق افتاد.» در حالی که نرخ تورم مسکن که پیش‌تر حوالی ۴۰ درصد بود اکنون به مرز ۵۰ درصد نزدیک می‌شود و توان خرید خانوارها هر روز آب می‌رود، ادعای کمبود زمین همچنان به عنوان یکی از اصلی‌ترین توجیه‌ها برای توقف ساخت‌وساز مطرح می‌شود. این در حالی است که وزیر راه و شهرسازی اخیراً اعلام کرده ۸۰ درصد برنامه‌های بخش مسکن محقق شده است؛ ادعایی که با واقعیت‌های بازار تا قدرت خانه‌دار شدن نسل جوان همخوانی چندانی ندارد و میان برنامه‌ریزی دولتی و وضعیت میدانی شکافی بزرگ را پر رنگ کرده است. در همین راستا حسین راغفر، اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس این ادعا را رد و تأکید کرد: «کمبود زمین برای ساخت مسکن قابل پذیرش نیست؛ ایران کشوری با ظرفیت‌های وسیع است و مشکل نه در زمین، بلکه در سیاست‌گذاری غلط و سال‌ها رهاشدگی وظایف قانونی دولت‌هاست.» او راه حل را بازگشت به مشارکت واقعی مردم و تعاونی‌های مسکن دانست؛ همان‌گویی که در دهه نخست انقلاب، میلیون‌ها خانوار را صاحب‌خانه کرد.

زمین هست؛ مدیریت نیست

حسین راغفر اقتصاددان و استاد دانشگاه با اشاره به موضوع مسکن و ادعای کمبود زمین تصریح کرد: «این مسئله به هیچ‌وجه قابل پذیرش نیست. کشوری با این سطح از پهناوری زمین‌های قابل تخصیص فراوانی دارد و قرار نیست همه زمین‌ها در تهران یا کلان‌شهرها باشد. بسیاری از مناطق مرزی و اطراف کشور خالی از سکنه شده‌اند در حالی که زمین فراوان وجود دارد. همچنین در مناطقی با ظرفیت‌های اقتصادی بالا مانند حاشیه خلیج فارس و دریای عمان، فضا و دسترسی لازم برای توسعه مسکن فراهم است؛ بنابراین همه ظرفیت‌های لازم برای رفع مشکل مسکن وجود دارد و این کار باید با مشارکت مردم و از طریق تعاونی‌های مسکن انجام شود؛ همان‌طور که در دهه اول انقلاب اتفاق افتاد.»

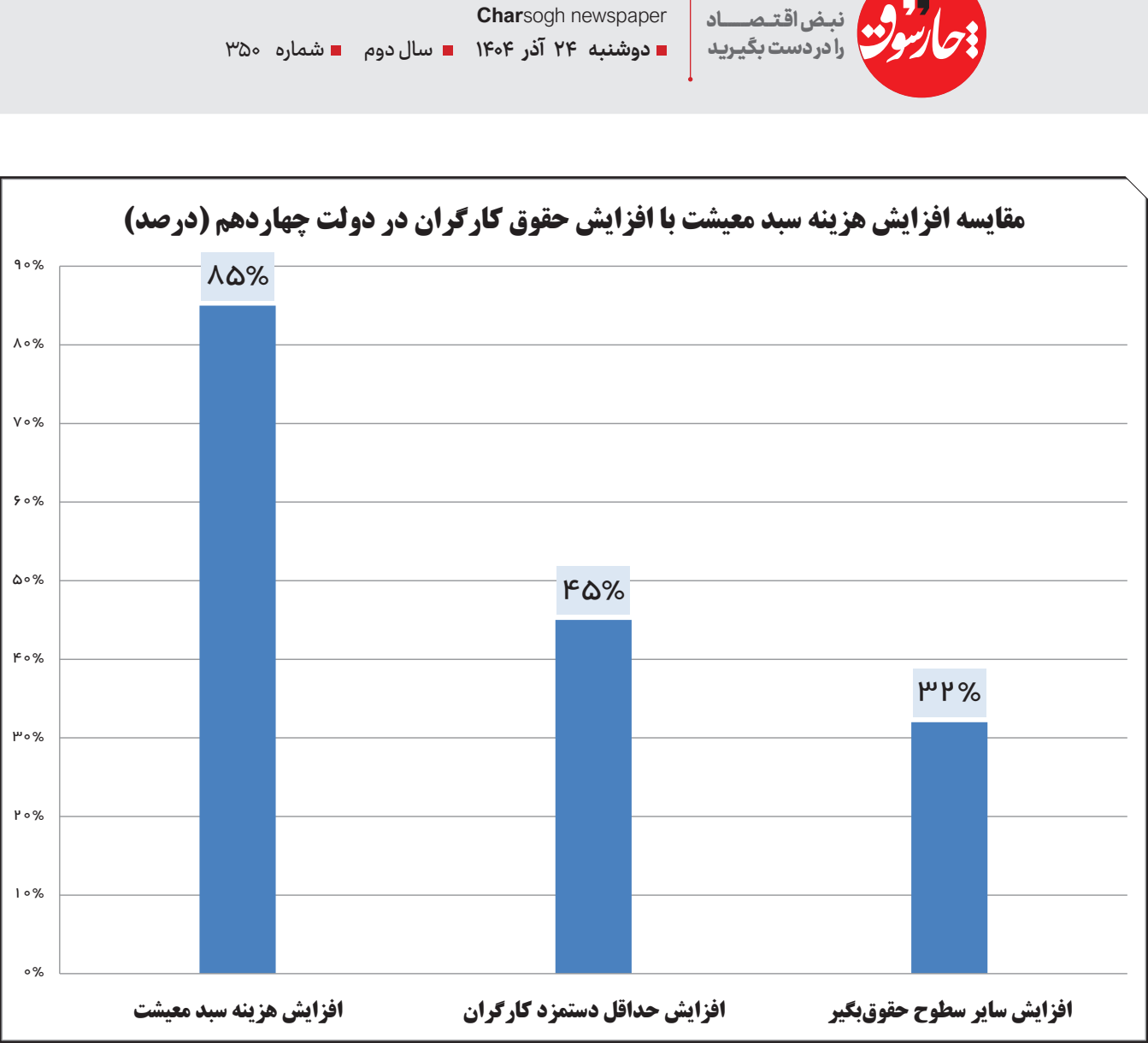
وی افزود: «بعد از جنگ تحمیلی تاکنون، مسئله مسکن که یک تکلیف قانونی در قانون اساسی است، عملاً توسط دولت‌های مختلف نادیده گرفته شده است. در حالی که در همه جای دنیا تأمین مسکن یکی از مسئولیت‌های اصلی دولت‌هاست. اینکه گفته می‌شود زمین وجود ندارد یا امکان پذیر نیست، به هیچ‌وجه قابل قبول نیست. کافی است دولت زمین‌های موجود را در اختیار مردم و تعاونی‌ها قرار دهد تا خود مردم اقدام به ساخت کنند. تعلل دولت‌ها در این زمینه کاملاً غیرقانونی و غیرقابل توجیه است.»

این اقتصاددان در ادامه اظهار کرد: «هدف اصلی از تأمین زمین و مسکن، طبقات متوسط و پایین جامعه و به‌ویژه نسل جوان هستند که با وضعیت فعلی قیمت‌ها امکان دسترسی به مسکن ندارند. یکی از پیامدهای این وضعیت، مهاجرت‌های گسترده طی سال‌های اخیر بوده است.» راغفر در ادامه اضافه کرد: «افزایش بی‌رویه قیمت مسکن و حقوق‌های سرکوب‌شده، دسترسی نسل جوان به سرپناه را تقریباً غیرممکن کرده و همین امر موجب مهاجرت و آسیب جدی به امنیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور شده است.»

وی یادآور شد: «در بسیاری از کشورهای اروپایی، دولت‌ها حدود ۹۰ درصد منابع مالی خرید مسکن را از طریق بانک‌ها با نرخ بهره نازل تأمین می‌کنند؛ بنابراین مسئله مسکن موضوعی نیست که بتوان از آن گذشت، زیرا ناامنی و بی‌اطمینانی‌های فراوانی در زندگی مردم ایجاد می‌کند.» حسین راغفر اقتصاددان و استاد دانشگاه در پایان اظهار کرد: «قانون اساسی نیز تصریح دارد که دولت موظف است ظرفیت‌های لازم برای تأمین مسکن خانوارها را فراهم کند. اگر این کار انجام نشود، بخشی از موج مهاجرت‌ها را باید ناشی از همین بی‌توجهی دولت‌ها به مسئله مسکن دانست.»

الزام مقابله با محترکان برنج؛ دولت در هدایت ارز ترجیحی‌ا اهتمام کند

دبیر کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: قطعاً ارز ترجیحی، فقط برای تأمین کالاهای اساسی مردم است و هدف آن کاهش بار تورم و گرانی و مشکلات اقتصادی است، اما اگر درست هدایت و نظارت نشود، خود می‌تواند مشکلات دیگری نظیر افزایش قیمت‌ها، حواشی ناشی از کاهش موجودی کالا و رشد احتکار از سوی فرصت‌طلبان، ایجاد کند. رحمدل بامری، دبیر کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت اهتمام دولت برای تأمین ارز ترجیحی کالای اساسی و نهاده، اظهار داشت: قطعاً ارز ترجیحی برای تأمین کالاهای اساسی است و هدف آن کاهش بار تورم و گرانی و مشکلات اقتصادی مردم است، اما اگر درست هدایت و نظارت نشود، خود می‌تواند مشکلات دیگری ایجاد کند. وی گفت: معتقدم برداشتن ارز ترجیحی از برنج، قطعاً بار سنگینی بر دوش مردم خواهد گذاشت، هم به دلیل افزایش قیمت‌ها و مشکلات ناشی از موجودی کالا و هم به دلیل احتکارهایی که برخی افراد فرصت‌طلب انجام می‌دهند. وی افزود: ما با حذف ارز ترجیحی برنج مخالفیم، زیرا پس از نان، برنج یکی از مهم‌ترین کالاهای مصرفی مردم است. اگرچه بخش عمده‌ای از برنج مورد نیاز در داخل کشور تولید می‌شود و کیفیت خوبی دارد، اما تولید داخلی پاسخگوی تقاضای جامعه نیست و بخشی نیز از طریق واردات از کشورهای همسایه مانند پاکستان تأمین می‌شود. وی اضافه کرد: به نظر من دولت در شرایط فعلی نباید اقدام به حذف ارز ترجیحی برنج می‌کرد، چراکه این اقدام موجب ایجاد مشکلات برای مردم خواهد شد. وی بیان کرد: واکنش مجلس قطعاً در این حوزه جدی خواهد بود و تذکرات لازم به دولت ارائه می‌شود. در کمیسیون کشاورزی و همچنین کمیسیون حمایت از تولید که عضو آن هستم، تأکیدات لازم انجام خواهد شد و پیگیری‌های لازم برای اصلاح این موضوع صورت می‌گیرد.



سبد معیشت کارگران ۸۵ درصد گران شد

گزارش

در ۱۵ ماه نخست فعالیت دولت چهاردهم، سبد معیشت خانوارهای کارگری نسبت به رقم پایان دولت سیزدهم، بیش از ۲۴ میلیون تومان معادل ۸۵ درصد گران‌تر شده است. این در حالی است که حداقل حقوق کارگران در سال جاری ۴۵ درصد و دستمزد سایر سطوح حقوق‌بگیر کارگران هم ۳۲ درصد افزایش یافته است. بنابراین قدرت خرید کارگران در دولت چهاردهم تاکنون کمتر از نصف شده است. با توجه به تداوم گرانی‌ها تا پایان سال و ثابت ماندن حقوق کارگران، طبیعی است در ماه‌های آتی وضعیت قدرت خرید کارگران بدتر هم خواهد شد.

هزینه مواد خوراکی سبد معیشت یک خانوار کارگری (براساس بُعد خانوار ۳٫۳ نفری) در پایان دولت سیزدهم ۱۰ میلیون و ۹۷۳ هزار تومان بود که در آبان‌ماه امسال به ۲۰ میلیون و ۳۱۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده است.

یعنی خانوار کارگری هم‌اکنون برای خرید یک سبد ثابت از مواد خوراکی ضروری در طول ماه باید بیش از ۹ میلیون تومان پول بیشتری نسبت به پایان دولت شهید رئیسی بپردازد که نتیجه گرانی شدید مواد غذایی در دولت چهاردهم است.

وضعیت وخیم سبد معیشت

سبد معیشت کارگران، شامل مواد خوراکی ضروری و هزینه‌های غیرخوراکی یک خانوار کارگری (بر مبنای بُعد خانوار ۳٫۳

تخفیف‌های میلیاردی و سودهای آبرفته شستا

صورت‌های مالی شرکت شستا در سال ۱۴۰۴ وجود رشد ظاهری، باطنی دیگر دارد: از جهش ۵۰۶ همتی برگشت از فروش تا تخفیف‌های بی‌اثر و سقوط نگران‌کننده حاشیه سود در چند صنعت کلیدی. به گزارش مهر، در حالی که صورت‌های مالی سالته شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) در نگاه اول، روایتی از رشد و توسعه را به نمایش می‌گذارد، تحلیل عمیق وفنی تر اعداد و ارقام، پرده از واقعیتی‌هایی نگران‌کننده برمی‌دارد. یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی این شرکت مربوط به سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۴۰۴، مملو از آزرهای قرمز و سؤالات بی‌پاسخی است که عملکرد هیات مدیره و استراتژی‌های کلان این بنگاه عظیم اقتصادی را که دارای بین‌نسلی میلیون‌ها بیمه‌شده و بازنشسته ایرانی را در اختیار دارد، به‌طور جدی به چالش می‌کشد. بررسی‌های خبرنگار مهر نشان می‌دهد که چگونگی در پس‌ظاهر فریبنده رشد درآمد‌ها، پدیده‌هایی چون جهش سرسام‌آور برگشت از فروش، تخفیف‌های بی‌اثر و سقوط آزاد حاشیه سود در صنایع کلیدی، سلامت مالی و کارآمدی مدیریتی شستا را تهدید می‌کند.

معمای برگشت از فروش؛ ۵۰۶ همت کالا برگشت خورد؟
نگاهی به بخش درآمد‌های عملیاتی گروه شستا، اولین و جدی‌ترین آزر خطر آشکار می‌سازد. در شرایطی که فروش خالص گروه بارش‌شد قابل قبول ۳۷۰۸ درصد به ظاهر خبر از یک سال مالی موفق می‌دهد، یک عدد دیگری این تصویر را کاملاً مخدوش می‌کند: برگشت از فروش و تخفیفات. این سرفصل با یک جهش حیرت‌انگیز و بی‌سابقه ۳۷۵۰۶ درصدی از حدود ۴۹۰۰ میلیارد تومان (۱۰۵ تریلیون تومان) در سال مالی گذشته به بیش از ۷۰۹۰ میلیارد تومان (۷ تریلیون تومان) در سال مالی ۱۴۰۴ رسیده است؛ به عبارت دیگر، شاهد یک افزایش نجومی ۶۰۰۰ میلیارد تومانی (۵۰۶ تریلیون تومانی) در میزان کالاهای برگشتی یا تخفیفات اعطایی هستیم.

متفرقه است.

همان‌طور که ذکر شد سبد معیشت کارگران دو بخش دارد: ۱- بخش مواد خوراکی ۲- بخش هزینه‌های غیرخوراکی.

هزینه‌های خوراکی سبد معیشت کارگران بر اساس سبد ارائه‌شده از سوی انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور (با همکاری دانشکده علوم تغذیه و رژیم‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران)، برای میزان کالری موردنیاز هر فرد محاسبه می‌شود.

این موسسه، حداقل کالری موردنیاز افراد را تعیین می‌کند که شامل ۱۳ ماده غذایی اصلی است که می‌تواند نیازهای تغذیه‌ای روزانه افراد را برآورده کند. این سبد شامل اقلام مختلفی است که مصرف روزانه و ماهانه آن‌ها به میزان مشخص، احتمال بروز مشکلات ناشی از سوء تغذیه را کاهش می‌دهد؛ به عبارت دیگر، اگر افراد این اقلام را مطابق با توصیه‌های انستیتو مصرف کنند، دچار کمبودهای غذایی نخواهند شد.

مقایسه هزینه خوراکی سبد معیشت کارگری

با محاسبه سرانه مصرف اعلامی انستیتو تغذیه برای هر گروه مواد غذایی و قیمت آنها طبق اطلاعات مرکز آمار، مشخص می‌شود که هزینه‌های خوراکی سبد معیشت غذایی در پایان دولت سیزدهم (مردادماه ۱۴۰۳) برای هرنفر ۳ میلیون و ۳۲۵ هزار تومان بوده است اما در آبان‌ماه امسال به ۶ میلیون و ۱۵۴ هزار تومان افزایش پیدا کرده است.

بدین ترتیب هزینه مواد خوراکی سبد معیشت یک خانوار کارگری (بر اساس بُعد خانوار ۳٫۳ نفری) در پایان دولت سیزدهم ۱۰ میلیون و ۹۷۳ هزار تومان بود که در آبان‌ماه امسال به ۲۰ میلیون و ۳۱۰ هزار تومان افزایش یافته که معادل رشد ۸۵ درصدی در این ۱۵ ماه است. یعنی خانوار کارگری هم‌اکنون برای خرید یک سبد ثابت از مواد خوراکی ضروری در طول ماه باید بیش از ۹ میلیون تومان پول بیشتری بپردازد که نتیجه گرانی شدید مواد غذایی در دولت چهاردهم است.

مقایسه سبد معیشت کل کارگری

در محاسبات کمیته دستمزد شورای عالی کار، خانوارهای کارگری در دهک چهارم درآمدی لحاظ شده‌اند که در این دهک، سهم خوراکی‌ها از سبد هزینه‌های خانوار ۳۸۰۹ درصد است و ۶۱۱ درصد هم سهم سایر اقلام همچون هزینه اجاره‌بها، بهداشت، حمل‌ونقل، سوخت، ارتباطات، لوازم خانگی و سایر اقلام غیرخوراکی است.

در نتیجه، سبد معیشت آبان‌ماه ۱۴۰۴ خانوارهای کارگری (بر اساس بُعد خانوار ۳٫۳ نفری) با در نظر گرفتن فرمول‌های مورد استفاده نمایندگان کارگری در شورای عالی کار و با اتکا به داده‌های رسمی مرکز آمار ایران، ۵۲۱۰ میلیون تومان برای مجموع هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی برآورد می‌شود که شامل ۲۰۱۳ میلیون تومان هزینه خوراکی ضروری و ۳۱۰۹ میلیون تومان هزینه‌های غیرخوراکی است.

این در حالی است که در مردادماه ۱۴۰۳ در پایان دولت سیزدهم سبد معیشت خانوارهای کارگری ۲۸۰۲ میلیون تومان برآورد شده بود که شامل ۱۰۹ میلیون تومان هزینه خوراکی و ۱۷۰۳ میلیون تومان هزینه‌های غیرخوراکی بود. بر این اساس در دولت چهاردهم تاکنون نسبت به پایان دولت سیزدهم، سبد معیشت خانوارهای کارگری (بُعد خانوار ۳٫۳ نفری) به‌طور میانگین بیش از ۲۴ میلیون تومان معادل ۸۵ درصد افزایش پیدا کرده است.

این در حالی است که از ابتدای امسال حقوق کارگران (سایر سطوح حقوق‌بگیر به غیر از حداقل‌بگیران) حدود ۳۲ درصد افزایش پیدا کرده است که با توجه به افزایش ۸۵ درصدی سبد معیشت در یک سال اخیر، مشخص است که قدرت خرید کارگران به شدت کمتر از سطح مرداد ۱۴۰۳ شده است.



این اعداد به وضوح نشان می‌دهند که سیاست افزایش انفجاری تخفیفات، تقریباً هیچ تأثیر مثبتی بر شتاب رشد درآمد‌ها نداشته است. افزایش بیش از سه برابری تخفیفات، تنها توانسته ۰۰۳ درصد به نرخ رشد درآمد سال گذشته این شرکت اضافه کند.

این موضوع سؤالات جدی در مورد استراتژی بازاریابی و فروش شرکت زیرمجموعه شستا، یعنی شرکت خدمات ارتباطی رایتل مطرح می‌کند. آیا این تخفیف‌ها به صورت همدمند و هوشمندانه اعطا شده‌اند یا صرفاً نوعی حراج منابع بدون بازدهی اقتصادی بوده‌اند؟ این مدل مدیریت هزینه، مصداق بارز ائتلاف منابع سهامداران (و عموم بیمه‌شدگان) است.

این داده به خودی خود شاید کافی توجیه باشد، البته اگر به رشد چشمگیر درآمد‌ها منجر می‌شد؛ اما مقایسه با سال قبل، ناگآمدی مطلق این استراتژی را برملا می‌کند. در سال مالی ۱۴۰۳: کل درآمد ارائه خدمات ۳۸۰۱ درصد رشد کرد، در حالی که تخفیفات ۴۶۰۷ درصد کاهش یافته بود؛ این یعنی شرکت (عمدتاً رایتل) با مدیریت هزینه‌ها و کاهش تخفیف، به رشد درآمدی عالی دست یافته بود.

سال مالی ۱۴۰۴: با وجود افزایش ۱۸۷۰۷ درصدی در تخفیفات، رشد درآمد ارائه خدمات در این شرکت تنها ۲۳۰۶ درصد بوده است. (درآمد رایتل از ۲۳۰۳ درصد رشد قابل به ۳۳۰۶ درصد رشد رسیده است).

میناکین کشوری) می‌شود. سبد معیشت خانوارهای کارگری، تقریبی از هزینه‌های زندگی یک خانواده کارگری متوسط،

وضعیت وخیم سبد معیشت

سبد معیشت کارگران، شامل مواد خوراکی ضروری و هزینه‌های غیرخوراکی یک خانوار کارگری (بر مبنای بُعد خانوار ۳٫۳

تخفیف‌های میلیاردی و سودهای آبرفته شستا

صورت‌های مالی شرکت شستا در سال ۱۴۰۴ وجود رشد ظاهری، باطنی دیگر دارد: از جهش ۵۰۶ همتی برگشت از فروش تا تخفیف‌های بی‌اثر و سقوط نگران‌کننده حاشیه سود در چند صنعت کلیدی. به گزارش مهر، در حالی که صورت‌های مالی سالته شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) در نگاه اول، روایتی از رشد و توسعه را به نمایش می‌گذارد، تحلیل عمیق وفنی تر اعداد و ارقام، پرده از واقعیتی‌هایی نگران‌کننده برمی‌دارد. یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی این شرکت مربوط به سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۴۰۴، مملو از آزرهای قرمز و سؤالات بی‌پاسخی است که عملکرد هیات مدیره و استراتژی‌های کلان این بنگاه عظیم اقتصادی را که دارای بین‌نسلی میلیون‌ها بیمه‌شده و بازنشسته ایرانی را در اختیار دارد، به‌طور جدی به چالش می‌کشد. بررسی‌های خبرنگار مهر نشان می‌دهد که چگونگی در پس‌ظاهر فریبنده رشد درآمد‌ها، پدیده‌هایی چون جهش سرسام‌آور برگشت از فروش، تخفیف‌های بی‌اثر و سقوط آزاد حاشیه سود در صنایع کلیدی، سلامت مالی و کارآمدی مدیریتی شستا را تهدید می‌کند.

سکوت مطلق در صورت‌های مالی

فاجعه بارتر از خود این عدد، عدم شفافیت کامل در گزارش‌ها را با سال مالی قبل مقایسه کنیم. در سال منتهی به خرداد ۱۴۰۳، در ازای رشد ۲۵ درصدی در فروش، برگشت از فروش تنها ۲۷۰۷ درصد افزایش یافته بود که یک روند منطقی و قابل دفاع است؛ اما در سال جاری، چگونگی رشد ۳۷۰۸ فروش می‌تواند جهش ۳۷۵۰۶ درصدی در برگشتی‌ها و تخفیفات را توجیه کند؟

برای این ائتلاف منابع و ناگآمدی آشکار دارند؟ آیا این حجم از برگشت کالا یا تخفیفات، معنایی جز شکست در کنترل کیفیت، بازاریابی یا استراتژی فروش دارد؟

تخفیف‌های بی‌اثر رایتل؛ حراج منابع بدون دستاورد
دومین آزر قرمز، در بخش درآمد‌های حاصل از ارائه خدمات گروه برافراشته شده است. در حالی که درآمد ارائه خدمات گروه رشد ۳۵۰۹ درصد تجربه کرده، تخفیفات ارائه خدمات با جهش ۱۸۷۰۷ مواجه بوده است که صراحتاً تأکید شده تماماً مربوط به شرکت خدمات ارتباطی رایتل است.

این داده به خودی خود شاید کافی توجیه باشد، البته اگر به رشد چشمگیر درآمد‌ها منجر می‌شد؛ اما مقایسه با سال قبل، ناگآمدی مطلق این استراتژی را برملا می‌کند. در سال مالی ۱۴۰۳: کل درآمد ارائه خدمات ۳۸۰۱ درصد رشد کرد، در حالی که تخفیفات ۴۶۰۷ درصد کاهش یافته بود؛ این یعنی شرکت (عمدتاً رایتل) با مدیریت هزینه‌ها و کاهش تخفیف، به رشد درآمدی عالی دست یافته بود.

سال مالی ۱۴۰۴: با وجود افزایش ۱۸۷۰۷ درصدی در تخفیفات، رشد درآمد ارائه خدمات در این شرکت تنها ۲۳۰۶ درصد بوده است. (درآمد رایتل از ۲۳۰۳ درصد رشد قابل به ۳۳۰۶ درصد رشد رسیده است).

اکنون در مرز زیان دهی فعالیت می‌کند.

فرآورده‌های نسوز؛ وضعیت در این بخش فاجعه‌بار است. حاشیه سود ناخالص از سود ۲۵ درصد در سال گذشته، به زیان ۲۱ درصد در سال جاری تبدیل شده است؛ یک سقوط آزاد کامل.

اگرچه در گزارش به دلایلی چون مشکلات تأمین انرژی و ارز برای فرآورده‌های نسوز و کاهش حجم فروش برای زغال سنگ اشاره شده، اما این توجیهات نمی‌تواند عمق ناگآمدی مدیریتی را بپوشاند. مهم‌تر از آن، هیچ توضیحی برای سقوط حاشیه سود در بخش تجهیزات پزشکی ارائه نشده است. چرا سودآوری این بخش به نصف کاهش یافته است؟ آیا پای افزایش شدید بهای تمام‌شده در میان است یا سیاست‌های غلط قیمت‌گذاری؟

عبور از شفافیت، تهدید منافع ملی

بررسی سه سرفصل کلیدی از صورت‌های مالی شستا در سال مالی ۱۴۰۴، تصویری کاملاً متناقض از ادعاهای رشد و موفقیت ارائه می‌دهد. جهش غیرقابل توضیح برگشت از فروش، تخفیفات میلیاردی و بی‌اثر در بخش خدمات و سقوط آزاد سودآوری در صنایع مهم، همگی نشان از چالش‌های عمیق مدیریتی، ضعف استراتژیک و عدم شفافیت دارند.

شستا با مالکیت قاطع ۸۵۰۷ درصدی سازمان تأمین اجتماعی، یک شرکت خصوصی نیست؛ این بنگاه اقتصادی امانت‌دار دارایی‌های میلیون‌ها ایرانی است و عملکرد آن مستقیماً بر معیشت بازنشستگان و آینده صندوق تأمین اجتماعی تأثیری گذارد. سؤالات مطرح شده در این تحلیل، نه تنها بایان توسط هیات مدیره شستا به صورت تلاف و مستند پاسخ داده‌شود، بلکه نیازمند ورود فوری نهادهای نظارتی، مجلس شورای اسلامی و سازمان حسابداری برای بررسی دقیق و جلوگیری از تضييع بیشتر حقوق عامه است. سکوت در برابر این آزرهای قرمز، می‌تواند به بحران‌هایی عمیق‌تر در آینده از غول اقتصادی منجر شود.

پروژه‌های توسعه‌ای، پیامد طبیعی این بی‌ثباتی است؛ روندی که درنهایت به افت بهره‌وری و افزایش هزینه تولید منجر می‌شود.

ناترازی انرژی و دلار؛ فشار هم‌زمان بر بنگاه‌ها

مشکل ناترازی انرژی، زمانی به بحران تبدیل می‌شود که با جهش ارزی همراه گردد. قطعی برق و گاز، تولید را متوقف می‌کند و افزایش نرخ دلار، هزینه راه‌اندازی مجدد، تعمیر تجهیزات و تأمین سوخت جایگزین را بالا می‌برد. این فشار دوگانه، بسیاری از واحدهای صنعتی را ناچار کرده فعالیت خود را به حداقل برسانند یا به تعطیلی موقت تن دهند.

در چنین شرایطی، تولیدکننده نه توان سرمایه‌گذاری برای کاهش وابستگی انرژی را دارد و نه امکان تحمل زیان‌های ناشی از توقف‌های مکرر تولید.

بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه؛ تولید بدون برنامه

نوسان نرخ ارز، قیمت مواد اولیه را نیز به شدت بی‌ثبات کرده است. نبود سازوکار شفاف و قابل پیش‌بینی برای قیمت‌گذاری، برنامه‌ریزی تولید را مختل کرده و ریسک فعالیت صنعتی را افزایش داده است. تولیدکننده‌ای که نتواند هزینه‌های آینده خود را برآورد کند، ناگزیر یا تولید را کاهش می‌دهد یا از بازار خارج می‌شود.

کارشناسان هشدار می‌دهند در چنین فضایی، هرگونه مدیریت مصنوعی بازار مواد اولیه یا محدودسازی واردات، به‌جای کنترل قیمت‌ها، به کاهش عرضه و تشدید بحران تولید منجر خواهد شد. افزایش هزینه‌های تولید در کنار افت تقاضا، اقتصاد را در مسیر تعمیق رکود تورمی قرار داده است. تولیدکننده با هزینه‌های فزاینده مواجه است و مصرف‌کننده با قدرت خرید محدود؛ ترکیبی که کاهش تولید را به‌دنبال دارد و زمینه‌ساز موج‌های بعدی افزایش قیمت می‌شود.

این چرخه، تورم نه محصول رونق، بلکه نتیجه کاهش عرضه و اختلال در تولید است.

افزایش روزانه نرخ دلار، در بستری از ضعف ساختاری اقتصاد، به عاملی شتاب‌دهنده برای زمین‌گیر شدن تولید تبدیل شده است. صنعت ایران امروز نه بایک بحران مقطعی، بلکه با چند فشار هم‌زمان مواجه است: بی‌ثباتی ارزی، کاهش سرمایه‌گذاری، ناترازی انرژی و افت تقاضا. در چنین شرایطی، مهار نوسانات دلار و ایجاد ثبات در سیاست‌های اقتصادی، دیگربرای انتخاب نیست؛ بلکه شرط لازم برای جلوگیری از خاموش شدن تدریجی چراغ تولید در کشور است.



دلار افسارگسیخته و صنعت زمین گیر

گزارش

بی‌سامانی در اجرای قانون ساماندهی صنعت خودرو

عضو کمیسیون عمران مجلس با انتقاد از تداوم انحصار، نبود رقابت و ضعف شفافیت در سیاست‌گذاری اقتصادی، تأکید کرد مدل‌های سنتی قیمت‌گذاری دیگر کارایی ندارند و تا زمانی که اصلاح ساختارها و اجرای قوانین موجود جدی گرفته نشود، فشار گرانی بر دوش مردم باقی خواهد ماند.

مجتبی یوسفی، با اشاره به سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته در مقوله قیمت‌گذاری، با بیان این‌که «ما هنوز در کشور عادت داریم چرخ را دوباره و از نو طراحی کنیم»، گفت: متأسفانه در بسیاری از سطوح مدیریتی، از سطح ملی تا استان و شهرستان، هر مستوولی احساس می‌کند باید ایده جدید خلق کند، در حالی‌که ما قوانین خوب و تجربه‌های موفق جهانی داریم و باید از همان‌ها استفاده کنیم.

نماینده مردم «باوی، اهواز، حمیدیه و گارون» در مجلس شورای اسلامی با اشاره به سیاست‌گذاری بازار و قیمت‌گذاری‌های صورت گرفته، افزود: نخست یک روش سنتی و مدل قدیمی قیمت‌گذاری وجود داشت که بر اساس هزینه تمام‌شده محصول، قیمت مشخص می‌شد. یوسفی مدعی‌های کارآمد اقتصاد امروز را مبتنی بر رقابت آزاد دانست و توضیح داد: این بازار بر اساس عرضه و تقاضاست، البته این موضوع مقدماتی دارد و نباید انحصار نوین در این بخش ایجاد شود و رقابت سالم وجود داشته باشد. رقابت سالم هم‌نخست در کثرت تولیدکنندگان در آن بخش است به عنوان مثال من اگر قصد خرید خودرویی را دارم، در هر جایی از دنیا بر اساس ویژگی‌های خودرو، آن را انتخاب می‌کنم و دایره انتخاب‌های من باز است؛ اما این موضوع در کشور به نحوی دیگر است.

وی ادامه داد: در حال حاضر ما دو خودرو ساز داریم و چند شرکت مونتاژکار، وقتی انحصار و محدودیت وجود دارد و اجازه رقابت و واردات نمی‌دهیم و برخلاف ماده ۱۱۴ قانون ساماندهی صنعت خودرو بر خروج می‌کنیم و از خودرو ساز واقعی حمایت نمی‌کنیم دیگر رقابتی ایجاد نمی‌شود. این شرایط در حوزه ارائه خدمات برخی مجموعه‌ها نیز نمایان است.

یوسفی با اشاره به ایجاد رانت در حوزه‌های مختلف اقتصادی و همچنین حوزه حمل‌ونقل بیان کرد: در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد حمل‌ونقل بار در کشور بایک سرخالی انجام می‌شود؛ این یعنی هدررفت زمان، سوخت و هزینه رانندگان. از سویی دیگر رتبه مهم‌ترین حمل‌ونقل ایران بین ۱۳۷ کشور از رتبه ۶۷ به ۱۲۳ سقوط کرده است؛ این نتیجه نبود شفافیت در حوزه بار، دلالی و واسطه‌گری است.

این نماینده مجلس با اشاره به مشکلات بازار کالاهای اساسی و افزایش قیمت آن، افزود: در حوزه کشاورزی، وقتی پنج در مزرعه ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان است اما در مغازه بیش از ۳۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود، یعنی ساختار توزیع مشکل دارد، نه تولیدکننده. یوسفی بر نقش اصلاحات ساختاری در حذف واسطه‌ها تأکید کرد و گفت: شفافیت در عرضه محصولات کشاورزی، سامانه‌های هوشمند، بازارچه‌های مرزی، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و اتصال مستقیم تولیدکننده به مصرف‌کننده، می‌تواند سود دالان را حذف و قیمت‌ها را منطقی کند؛ اما هر زمان که به شفافیت نزدیک می‌شویم، گروه‌هایی با منافع پنهان مقاومت می‌کنند.

نماینده مردم اهواز ادامه داد: اگر انحصار شکسته نشود و رقابت سالم ایجاد

نکرد، مردم باید هزینه سوء مدیریت مدیران و ناکارآمدی تولیدکنندگان را

بپردازند؛ بنابراین شفافیت، رقابت و سامانه‌های هوشمند، تنها راه منطقی

شدن قیمت‌ها و کاهش فشار بر مردم است. اگر این مسیر را نرویم، باز هم

هزینه تصمیم‌های اشتباه از جیب مردم پرداخت خواهد شد.

۶ عامل افزایش بهای ارز؛ از خروج سرمایه تا حفظ ارزش دارایی

کارشناس اقتصاد می‌گوید: بخش قابل‌توجهی از تقاضای فعلی در بازار آزاد ارز، معطوف به خروج سرمایه است که پدیده‌ای نگران‌کننده محسوب می‌شود، بخشی دیگر از تقاضا، ناشی از تمایل به حفظ ارزش دارایی‌هاست. حمید گلیاشا، کارشناس اقتصادی، درباره عوامل مؤثر بر نوسانات اخیر بازار ارز اظهار داشت: به‌شخصه معتقدم مهم‌ترین دلیل افزایش نرخ اخیر ارز سیاسی بوده و بیشتر ناشی از تحركات اخیر نظامی آمریکا و اسرائیل، وجود سایه جنگ و تشدید انتظارات تورمی است. در شرایط کنونی که احتمال درگیری‌های منطقه‌ای تشدید شده، فضای نااطمینانی در جامعه ایجاد کرده است که به تبع آن منجر به افزایش قیمت ارز و طلا شده است.

وی ادامه داد: این در حالی است که در حین و پس از جنگ ۱۲ روزه و همچنین در آغاز فغال‌سازی مک‌سینام‌ماش، دولت و بانک مرکزی تا حد زیادی موفق به کنترل فضای بازار بودند و جامعه در مسیر بازگشت به آرامش قرار گرفت؛ اما ناگهان تحركات اخیر اعم از تحولات بین‌الملل موجب تشدید مجدد نگرانی‌ها شد. گلیاشا می‌گوید: بخش قابل‌توجهی از تقاضای فعلی در بازار آزاد ارز، معطوف به خروج سرمایه است که پدیده‌ای نگران‌کننده محسوب می‌شود، بخشی دیگر از تقاضا، ناشی از تمایل به حفظ ارزش دارایی‌هاست، در دوره جنگ ۱۲ روزه، دارایی برخی افراد به‌ویژه در بخش مسکن و خودرو، قفل شد و امکان نقدشوندگی نداشت. همین امر موجب شد تا احتیاط سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر افزایش یابد و درصدد ایجاد پایگاه امن مالی برای خود باشند. این تقاضا عمدتاً از سوی گروه‌های پردرآمد و نه اقشار کم‌درآمد اتفاق می‌افتد؛ به‌هر حال همه این مسائل، چشم‌انداز جامعه و فعالان اقتصادی نسبت به آینده آثار خود را، بر بازار ارز تحمیل کرده است. این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه در ماه‌های اخیر، بحران‌هایی همچون ناترازی انرژی و بحران آب نیز به وجود آمده است، گفت: این مشکلات نیز به نوبه خود بر افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی افزوده‌اند. به گفته وی در شرایطی که نااطمینانی از چندین منبع مختلف که عمده آن مرتبط با تحركات آمریکاست، افزایش پیدا می‌کند، حتی در صورت عدم رشد چشمگیر تقاضا هم نرخ ها روند صعودی به خود می‌گیرند.

گلیاشا تأکید کرد: در حال حاضر عمده دلایل افزایش نرخ ارز، ریشه در عوامل خارجی دارد و حفظ ثبات در این بازار نیز تا حد زیادی منوط به رفع تنش‌های بیرونی است، پس از جنگ ۱۲ روزه، رشد محسوسی در بازار ارز ن‌داد و حتی نرخ‌ها کاهش یافت، در شرایط کنونی نیز کاهش نرخ ارز به کاهش تنش‌های سیاسی که خورده است و در صورت رفع این مسائل، می‌توان انتظار داشت آرامش به بازار ارز بازگردد.

یک سال پس از آغاز اجرای فصل «اصلاح ساختار بودجه»

در برنامه هفتم، ارزیابی‌های نظارتی نشان می‌دهد که مهم‌ترین پروژه اصلاح مالی دولت هنوز در نقطه شروع متوقف مانده است؛ جایی که به جای تغییرات واقعی در نظام بودجه‌ریزی، اغلب اقدامات در سطح تدوین آیین‌نامه‌ها باقی مانده و شفاف تاریخی منابع و مصارف، بدهی‌های پنهان و ناترازی‌های مزمن همچنان پابرجاست.

تجربه چهار دهه بودجه‌ریزی دولتی در ایران روایتگر دور باطلی است که هر سال در قالب شکاف عمیق میان منابع و مصارف بودجه تکرار می‌شود. ابرچالشی که امروز نه فقط ثبات مالی دولت را نشانه رفته، بلکه بنیان‌های توسعه اقتصادی کشور را با تهدیدی جدی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، تصویب فصل سوم قانون برنامه هفتم با عنوان «اصلاح ساختار بودجه» در مجلس شورای اسلامی، نویدبخش تحولی بنیادین در مدیریت مالی دولت تلقی می‌شد.

ارزیابی عملکرد یک‌ساله این فصل از برنامه هفتم (از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا پایان شهریور ۱۴۰۴) که مبتنی بر سنجه‌های عینی و گزارش‌های نظارتی است، تصویر نگران‌کننده‌ای از روند اجرای احکام این فصل ارائه می‌دهد. این ارزیابی نشان می‌دهد با وجود گذشت یک‌سال از اجرای برنامه، تحولات اجرایی عمدتاً در سطح تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات متوقف مانده و تغییرات ساختاری و رفتاری لازم در نظام بودجه‌ریزی کشور محقق نشده است.

بودجه عمومی دولت برای دهه‌ها در دام ابرچالشی چندبعدی گرفتار است که مهم‌ترین مظاهر آن کسری مزمن تراز عملیاتی، وابستگی شدید به درآمد نفتی ناپایدار، انباشت بدهی‌های آشکار و پنهان، ضعف در تخصیص بهینه منابع، بی‌انضباطی مالی و ناکارآمدی نظام طرح‌های عمرانی در نظر گرفته می‌شود. این عوامل چرخه معیوبی از کسری بودجه، استقرار از نظام بانکی، تورم و بازگشت مجدد به کسری بودجه را ایجاد کرده‌اند که نه فقط پایدار مالی دولت را تهدید می‌کند، بلکه موجب تحلیل ظرفیت‌های توسعه بلندمدت کشور نیز می‌شود.

قانون برنامه هفتم در فصل سوم خود، برای مقابله با این ابرچالش، تکالیف متعددی را تصویب کرده است. از جمله این احکام می‌توان به حذف احکام غیروبوجه‌ای از لایحه بودجه، تدوین بودجه برنامه‌محور، کنترل و مدیریت بدهی‌های دولت با تعیین سقف ۴۰

افت شدید سرمایه‌گذاری و تداوم فرسایش زیرساخت‌های تولید خبر می‌دهد. این اعداد زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شوند که در کنار افزایش روزانه و بی‌ثبات نرخ دلار قرار می‌گیرند؛ تغییری که به عنوان شتاب‌دهنده بحران، فشار مضاعفی بر صنعتی وارد کرده که پیش‌تر نیز زیر بار مشکلات ساختاری خم شده بود.

نوسان ارزی؛ ضربه نهایی به تولید فرسوده

افزایش مستمر و روزانه نرخ دلار، در شرایطی که تولید از پیش تحت فشار قرار دارد، به عاملی تعیین‌کننده در زمین‌گیر شدن صنعت تبدیل شده است. بخش بزرگی از نهاده‌های تولید، چه وارداتی و چه داخلی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به نرخ ارز وابسته‌اند. در نتیجه، هر جهش ارزی بلافاصله هزینه تمام‌شده را بالا می‌برد، بدون آنکه امکان تطبیق سریع قیمت فروش وجود داشته باشد.

بازاری که با کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده مواجه است، کشش افزایش قیمت را ندارد و همین شکاف میان هزینه و

ارزیابی یک‌ساله اجرای احکام اصلاح ساختار بودجه در برنامه هفتم



درصدی نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، جلب مشارکت

بخش خصوصی در طرح‌های بالادستی نفت و گاز، ساماندهی

طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام از طریق واگذاری به بخش خصوصی

و بانزرگی در نظام فنی و اجرایی کشور اشاره کرد.

ارزیابی عملکرد سال اول اجرای این فصل، حکایت از فاصله

قابل توجه دستگاه‌های متولی با اهداف تعیین شده دارد. در

حوزه بودجه برنامه‌محور و حذف احکام غیروبوجه‌ای، اگرچه

سازمان برنامه بودجه اقداماتی را آغاز کرده اما لایحه بودجه ۱۴۰۴

همچنان حاوی احکام غیروبوجه‌ای بوده و تغییرات ایجادشده

بیشتر شکلی و ظاهری است و به بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد

واقعی منجر نشده است.

در حوزه مدیریت بدهی‌های دولت، اگرچه نسبت اعلامی بدهی

قطعی دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی در

حدود ۲۶ درصد و پایین‌تر از سقف قانونی است اما با احتساب

بدهی‌های احتمالی و به‌ویژه بدهی دولت به صندوق توسعه

ملی، این نسبت به بیش از ۶۰ درصد می‌رسد که نشان از عدم

شفافیت و دقت در گزارش دهی وضعیت واقعی بدهی‌ها دارد.

این امر ریسک مالی پنهان قابل توجهی را برای اقتصاد کشور

به همراه دارد.

در بخش سرمایه‌گذاری و انرژی، با وجود تأکید قانون بر جذب

سرمایه بخش خصوصی برای افزایش توان تولید در میادین نفت

و گاز، پیشرفت ملموسی حاصل نشده و ورود بخش خصوصی به

این عرصه همچنان به تعویق افتاده، در حالی که ناترازی انرژی

به یک تهدید جدی برای صنایع و خانوارها تبدیل شده است.

در حوزه طرح‌های عمرانی نیز اگرچه آیین‌نامه مشارکت عمومی-

خصوصی تدوین شده اما اجرای عملی احکام مربوط به ساماندهی،

اولویت‌بندی و واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام به بخش خصوصی

محقق نشده و اطلاعات شفافی از عملکرد دستگاه‌ها در این زمینه

موجود نیست. همچنین سند جدید نظام فنی و اجرایی کشور

اگرچه تصویب شده اما ارزیابی کارشناسی نشان می‌دهد رویکرد

آن تفاوت معنا داری با اسناد قبلی ندارد و نتوانسته تحول مورد

انتظار قانون برنامه را ایجاد کند. مهم‌ترین چالش نهادی در این

مسیر، نبود مرجع واحد و مقتدر برای مدیریت بدهی‌ها، ضعف

در هماهنگی بین سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی

و دارایی (خرانه داری کل کشور) و تعویق در استقرار نظام یکپارچه

قوت بخشی به بازار ۲۰ میلیارد دلاری ارز آزاد

در ۱۵ ماه گذشته دولت نه از جانب عرضه و نه از جانب تقاضا سیاست‌های مناسبی برای تعادل بخشی به بازار ارز طراحی نکرده است به طوری که همچنان بدون محدودیت امکان ثبت سفارش واردات انواع کالا وجود دارد و به همین دلیل همواره تقاضای ارز برای واردات، در سطوح بسیار بالا قرار می‌گیرد.

در هر اقتصادی که جریان ورود و خروج کالا در آن وجود دارد، چند مؤلفه اصلی بر تغییرات قیمت کالاها و خدمات، نقش قابل توجهی ایفا می‌کند. به‌طور معمولاً پهنای انرژی، نرخ رشد نقدینگی، بهره‌ونرخ ارز شاخص‌های اصلی تأثیرگذار بر تورم و سطح قدرت خرید خانوار است. توسعه یافته صادرات نفت و فولاد و ده‌های نفتی در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ را حفظ کند و همین مسئله موجب کاهش عرضه ارز به بازار شده است.

البته میزان صادرات غیرنفتی در این مدت کاهش نداشته است. از سوی دیگر، باوجود این شرایط، دولت به‌به‌طور مشخص وزارت جهاد کشاورزی، سیاست‌گذاری مناسبی برای تأمین کالای اساسی انجام نداده و همین موجب شد تأمین کالاهای اساسی با چالش مواجه شود؛ توقف‌روش تهران، محدود کردن واردات کالاهای اساسی

به چند شرکت خصوصی انحصارگر و حذف سایر شرکت‌های فعال در این زمینه، توقف تخصیص تلفیقی ارز ترجیحی و ارز با بازار اول مرکز مبادله و کاهش برآورد نیاز ارزی برای واردات کالاهای اساسی، ازجمله سیاست‌های غلط در این حوزه بوده است. باوجود همه این موارد، دولت برای عبور از این چالش‌ها، دو تصمیم عجیب دیگر گرفته است. تصمیم اول ترخیص ۹۰ درصدی کالاها بدون اعلام منشأ ارز که به سیاست ۱۰-۹ معروف است و تصمیم دوم واردات کالای اساسی از طریق از استان‌های مرزی بدون لحاظ منشأ ارز؛ کارشناسان معتقدند این دو تصمیم می‌تواند به عنوان یک پرونده که همین برای تأمین ارز مورد نیاز خود، سراغ بازار غیررسمی ارز بروند که همین ورود تقاضای عمده به بازار کم عمق ارز غیررسمی، منجر به رشد‌های مکرر بهای ارز در روزهای هفته‌های اخیر شده است.

این دو اقدام سنجیده دولت، پیام مشخص به فعالان اقتصادی و بازار غیررسمی می‌دهد و آن این است که منابع ارزی محدود و تقاضای ارزی بالا است و به این ترتیب درونمای بازار ارز، افزایش قیمت ارز و کاهش ساعت تنظیم گزارش ارز ۲۲ هزار ۱۴۰۴ که به‌عدد ۱۲۸ هزار و ۶۰۰ تومان رسیده، بهای ارز ۱۱۷ درصد افزایش یافته است، اما در همه این ایام، دولت اعلام کرده که به دنبال مهار تورم است.

در ایام یک سال و اندی فعالیت دولت، هرگاه بحث تورم شده است، مسئولان دولت «کسری بودجه» و «ناترازی بانک‌ها» و «رشد نقدینگی» را عامل تورم اعلام کرده‌اند، اما هیچ‌گاه به این سؤال پاسخ نداده‌اند که در شرایطی که رشد نقدینگی کمتر از ۴۰ درصد بوده است، رشد ۱۱۷ درصدی بهای ارز چگونه به رشد نقدینگی قابل توجه و توضیح است؟



خصوصی سازی گمرک به تسهیل تجارت منجر می شود؟

✂️ خصوصی سازی گمرکات اجرایی به دلیل ایجاد موقعیت تعارض منافع «اتحاد ناظر و منظور» مغایر با سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. در حال حاضر نیز برخی مراحل تشریفات گمرکی از جمله ارزیابی با ایکس‌ری به بخش خصوصی واگذار شده اما افزایش کارایی و بهبود انجام تشریفات گمرکی محقق نشده است. از سوی دیگر خصوصی سازی گمرکات اجرایی در تناقض با ساماندهی رویه ملوانی است؛ چراکه نه تنها مبادی ورودی جدیدی برای قاچاق کالا ایجاد می‌کند، بلکه با افزایش قاچاق ارز، نقض غرض تسهیل تشریفات گمرکی نیز محسوب می شود.

به گزارش مسیر اقتصاد، وزیر امور اقتصاد و دارایی طی روزهای گذشته از انجام آسیب‌شناسی مفصل گمرک جمهوری اسلامی ایران در ۳ ماه ابتدای سال ۱۴۰۴ خبر داد [۱]: براین اساس و به جهت کاهش رسوب کالا و افزایش بهره‌وری ترخیص کالا در گمرکات اجرایی، «حدود ۱۰ گمرک سهم عمده تجارت خارجی را برعهده خواهند داشت و تعداد محدودی از گمرکات اجرایی باقی مانده نیز به بخش خصوصی واگذار می‌شوند». همچنین واگذاری ایکس‌ری‌های در حال خرید نیز به بخش خصوصی (احتمالاً بخش خصوصی از کشور چین طبق مصاحبه وزیر امور اقتصاد و دارایی مورخ ۱۱ آبان ۱۴۰۴) [۲] مدنظر قرار گرفته است.

تعارض منافع «اتحاد ناظر و منظور» در خصوصی سازی گمرک

خصوصی سازی گمرکات اجرایی اگر به معنای واگذاری وظایف و اختیارات گمرک جمهوری اسلامی ایران به بخش خصوصی موضوع ماده (۳) قانون امور گمرکی باشد، باعث ایجاد موقعیت تعارض منافع «اتحاد ناظر و منظور» خواهد شد و مغایر با سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است که در آن بر لزوم رعایت «چهارچوب سیاست‌های تجاری و ارزی» رای فعالیت های بازرگانی خارجی تأکید شده است. اتحاد ناظر و منظور به این معنا است که عامل یا موجودیت در موقعیت احتمال انتفاع از نظارت و ارزیابی خود یا دیگران قرار می‌گیرد. [۳] به عنوان مثال «تشخیص و وصول حقوق ورودی و سایر وجوه قابل وصول قانونی» در بند (ب) ماده (۳) قانون مذکور از وظایف و اختیارات گمرک است و اگر تشخیص ردیف تعرفه برعهده بخش خصوصی قرار گیرد که ممکن است فعال در بازرگانی داخلی و یا خارجی نیز باشد باعث بروز تخلف و یا قاچاق خواهد شد.

خصوصی سازی گمرکات اجرایی در حالی مطرح شده است که جلوگیری از وقوع چنین موقعیت تعارض منافی طبق ماده (۱۱۲) قانون امور گمرکی و «استفاده از کارکنان گمرک به امر بازرگانی خارجی یا کارگزاری گمرکی و هر نوع حرفه دیگر که با تشریفات گمرکی مرتبط باشد ممنوع است. متخلفین با حکم مراجع رسیدگی به تخلفات اداری، به اخراج از خدمت در گمرک محکوم می شوند.»

معطلی ناوگان حمل‌ونقل برای عبور از ایکس‌ری

خرید ایکس‌ری و واگذاری آن به بخش خصوصی نیز در حالی مطرح

شده است که تجربه عقد قراردادهای B.O.O [۴] در بخش خصوصی و معطلی ناوگان حمل‌ونقل در پایانه‌های مرزی جهت بازرسی فیزیکی از طریق عبور از ایکس‌ری، همچنان تجارت خارجی است. در قراردادهای B.O.O، سرمایه‌گذار بخش خصوصی نسبت به ساخت، تملک، راه‌اندازی و نگهداری طرح برای همیشه اقدام می‌نماید و درآمدهای اجرای طرح را به منظور بازگرداندن سرمایه و سود جمع‌آوری می‌کند. به همین منظور و بر اساس مشاهدات میدانی، حداکثر بازرسی قابل انجام با عبور از ایکس‌ری انجام می‌گیرد.

بنابراین حتی با وجود اینکه برخی مراحل تشریفات گمرکی از جمله نصب، تعمیر و نگهداری ایکس‌ری به بخش خصوصی واگذار شده، اما این واگذاری منجر به تحقق بند (ط) ماده (۳) قانون امور گمرکی مبنی بر «استفاده از فناوری های نوین و تجهیز اماکن گمرکی به ابزارهای پیشرفته جهت افزایش کارایی و بهبود انجام تشریفات گمرکی» نشده است.

خصوصی سازی گمرک در مقابل ساماندهی رویه ملوانی

خصوصی سازی گمرکات اجرایی نقض غرض ساماندهی رویه ملوانی و جلوگیری از قاچاق ورودی از خلأهای مرزی است؛ چراکه به دلیل ایجاد موقعیت تعارض منافع و امکان فساد به خاطر عدم رعایت قوانین و مقررات در تشریفات گمرکی مبادی ورودی جدیدی برای قاچاق کالا از رویه ملوانی به وجود می‌آیند. افزایش قاچاق کالا موجب افزایش قاچاق ارز یا تقاضای ارز از بازار غیررسمی می‌شود. افزایش تقاضا در بازار غیررسمی و نرخ ارز غیررسمی نیز موجب افزایش نشی ارز از بازار رسمی به غیررسمی شده و درنهایت مدت زمان باقی ماندن در صف تخصیص و تأمین ارز و افزایش خواهد یافت که مدت زمان اتمام تشریفات گمرکی را افزایش می‌دهد.

به دلیل واگذاری برخی بنادر، اسکله‌ها و موج‌شکن‌ها به بخش خصوصی و سایر دستگاه‌های دولتی و متعاقباً افزایش قاچاق کالا، در ماده (۳) قانون «ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی (کولبری و ملوانی) و ایجاد اشتغال پایدار مرزنشینان»، درمجموع ۴۰ درصد از درآمدهای گمرکی و مالیاتی حاصل از اجرای این قانون باید برای «پرساخت‌های اقتصاد مرز (تجهیز بازارچه‌های مرزی، تقویت و تجهیز بنادر و گمرکات کوچک)» و «تقویت زیرساخت‌های مربوط به امنیت و مبارزه با قاچاق (انسداد معابر و خلأهای مرزی، خورهای غیرمجاز و آلوده به قاچاق کالا)» هزینه شود که همانطور که بیان شد در تناقض با خصوصی سازی گمرکات اجرایی است.

■ دوشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۴ ■ ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ ■ ۱۵ December ۲۰۲۵ ■ سال دوم ■ شماره ۳۵۰ ■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۰۶۹ ■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶ ■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ دوشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۴ ■ ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ ■ ۱۵ December ۲۰۲۵ ■ سال دوم ■ شماره ۳۵۰

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۰۶۹ ■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



کشت فراسرزمینی گندم چرا برای ما استراتژیک است؟

گزارش

✂️ گندم، ستون فقرات امنیت غذایی ایران، درآستانه یکی از پریسک‌ترین سال‌های خود قرار گرفته است. کاهش بارندگی در مناطق دیم‌خیز، افزایش افسارگسیخته هزینه‌های تولید و تعلل مزمن در اجرای سیاست‌های جایگزین، زنجیره تولید این کالای راهبردی را به نقطه شک‌کننده‌ای رسانده و شاید کشت فراسرزمینی راه‌حلی برای گذر از این مقطع زمانی باشد. گندم در ایران صرفاً یک محصول زراعی نیست، بلکه شاخصی از ثبات اقتصادی و اجتماعی است. هرگونه اختلال در تولید یا تأمین آن، مستقیماً به سفره خانوار و به‌طور غیرمستقیم به بودجه دولت و ذخایر ارزی کشور منتقل می‌شود. سال زراعی جدید در حالی آغاز شده‌که نشانه‌های اقلیمی، از کاهش ۳۰ تا ۴۰ درصدی بارش در بسیاری از استان‌های دیم‌خیزکایت دارد. استان‌هایی مانند کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و لرستان که سهم بالایی در تولید گندم دیم دارند، با افت رطوبت خاک مواجه‌اند؛ وضعیتی که اگر تداوم یابد، می‌تواند برداشت سال آینده را به کمتر از ۸ میلیون تن برساند.

این عدد در مقایسه با نیاز مصرفی کشور که سالانه حدود ۱۳ تا ۱۳ میلیون تن برآورد می‌شود، به معنای شکافی نزدیک به ۴ میلیون تن است؛ شکافی که فقط از مسیر واردات قابل جبران خواهد بود.

هزینه تولید: گره کور تولید داخلی

بحران گندم فقط به آسمان کم‌باران محدود نمی‌شود. در

زمین نیز شرایط برای کشاورز روزبه‌روز دشوارتر شده است. جهش قیمت نهاده‌های تولید، از کود و بذر گرفته تا سوخت و حمل‌ونقل، هزینه تمام‌شده تولید را به سطحی رسانده که بخش قابل توجهی از کشاورزان خرد، عملاً از چرخه کشت خارج شده‌اند.

کودهای نیتروژنه طی یک سال بیش از سه برابر شده‌اند، بذر اصلاح‌شده به سختی در بازار یافت می‌شود و ماشین‌آلات کشاورزی به دلیل نبود قطعه و لاستیک با فرسودگی فزاینده روبه‌رو هستند. از سوی دیگر دیرکرد دولت در اعلام قیمت خرید تضمینی گندم از گندمکاران و ابهام در روش پرداخت آن، بسیاری از تولیدکنندگان را مردد از کاشت محصول کرد؛ چراکه در چنین شرایطی، کشت گندم برای بسیاری از زارعان نه فقط سودآور نیست، بلکه زیان قطعی محسوب می‌شود. نتیجه این وضعیت، کاهش سطح زیرکشت، افت تولید و تشدید وابستگی به واردات است؛ چرخه‌ای که هر سال پرهزینه‌تر تکرار می‌شود.

کشت فراسرزمینی: راهکاری که معطل ماند

در برابر این بن بست، کشت فراسرزمینی به عنوان یک راهبرد مکمل، سال‌هاست مطرح شده اما هیچ‌گاه از مرحله اسناد و تقاض نامه‌های پراکنده فراتر نرفته است. ایده اصلی ساده بود و شامل استفاده از زمین و آب شورهای دارای مزیت اقلیمی برای تولید غلات مورد نیاز ایران می‌شد. این سیاست می‌توانست هم هزینه تولید را کاهش دهد و هم ریسک اقلیمی را از جغرافیای خشک داخل کشور به مناطق پربارش منتقل کند.

صرفه اقتصادی و مزیت راهبردی

کشت فراسرزمینی صرفاً یک انتخاب اقتصادی نیست، بلکه بخشی از معماری امنیت ملی محسوب می‌شود. ایران سالانه به طور متوسط بیش از ۴ میلیون تن گندم وارد می‌کند. اگر به جای خرید محصول نهایی، در تولید مشترک سرمایه‌گذاری می‌شد، هزینه تمام‌شده هر کیلو گندم می‌توانست دست‌کم ۳۰ درصد کاهش یابد.

در شرایط فعلی که قیمت جهانی گندم حدود ۲۰۰ دلار در هر تن برآورد می‌شود، این کاهش می‌توانست هزینه را به محدوده ۲۱۰ دلار برساند؛ رقمی که فشار ارزی قابل توجهی را از دوش دولت برمی‌دارد. افزون بر آن، تولید مشترک، کشور

را از شوک‌های ناگهانی بازار جهانی، تحریم‌ها و بحران‌های ژئوپلیتیک مصون‌تری کند.

امنیت منابع: فراتر از مرزهای جغرافیایی

در دنیای امروز، امنیت غذایی فقط به تولید داخل محدود نمی‌شود. مفهوم «امنیت منابع» ایجاب می‌کند که کشورها سبدی متنوع از منابع تأمین داشته باشند. کشت فراسرزمینی دقیقاً در همین نقطه معنا پیدا می‌کند که تنوع بخشی جغرافیایی برای کاهش ریسک را شامل می‌شود. قراردادهای بلندمدت ۱۰ تا ۲۰ ساله در کشورهایی با منابع آب کافی و اقلیم مناسب، می‌تواند جایگزین خریدهای مقطعی و پریسک‌شود. علاوه بر آن، سرمایه‌گذاری کشاورزی در کشورهای هدف، به تقویت روابط اقتصادی و حتی سیاسی منجر می‌شود؛ مزیتی که در شرایط منطقه‌ای ایران، اهمیتی دوچندان دارد.

چرا این طرح اجرایی‌شود؟

عدم پیشرفت این سیاست را باید در ترکیبی از ضعف اراده اجرایی، نبود چهارچوب حقوقی شفاف و ناکارآمدی دیپلماسی کشاورزی جست‌وجو کرد. سازوکار مالکیت یا اجاره زمین، بیمه محصول، انتقال ارز و بازگشت سرمایه، هنوز به صورت عملیاتی طراحی نشده است. بخش خصوصی نیز بدون تضمین دولتی، تمایلی به ورود به این میدان پرریسک ندارد.

در حالی که تجربه جهانی نشان می‌دهد دولت‌ها با ایجاد صندوق‌های تضمین و تقسیم ریسک، مسیر ورود سرمایه‌گذاران را هموار کرده‌اند اما در ایران این پروژه‌ها عملاً بدون پشتوانه مالی رها شده‌اند.

پیامد مستقیم: نان باز هم گران می‌شود

کاهش تولید داخلی گندم، مستقیماً خود را در بازار نان نشان می‌دهد. طی دو سال گذشته، قیمت‌نان در بسیاری از مناطق کشور دو تا سه برابر شده و در صورت تحقق سناریوی بدبینانه تولید، احتمال جهش جدید در سال آینده بسیار بالاست. هر یک میلیون تن کمبود گندم، به معنای بیش از یک میلیارد دلار واردات اضافی است؛ رقمی که در شرایط محدودیت ارزی، فشار مضاعفی بر اقتصاد وارد می‌کند.

مسیر خروج: اقدام فوری و هم‌زمان

حل بحران گندم نیازمند بسته‌ای هم‌زمان از سیاست‌هاست. از یک سو باید نظام خرید تضمینی داخلی باطرراحی‌شود تا کشاورز حداقل سود منطقی داشته باشد و از سوی دیگر، اجرای کشت فراسرزمینی از حالت شعار خارج‌شود.

درواقع تدوین نقشه ملی کشت فراسرزمینی، انتخاب شرکای پایدار، ایجاد صندوق تضمین سرمایه‌گذاری و فعال سازی دیپلماسی کشاورزی، اقداماتی هستند که دیگر جای تعویق ندارند.

بحران گندم، آزمونی برای توان تصمیم‌گیری اقتصادی کشور است. ادامه وضع موجود، به معنای تعمیق وابستگی و افزایش هزینه امنیت غذایی خواهد بود. کشت فراسرزمینی اگر امروز آغاز شود، شاید بتواند بخشی از بحران فردا را مهار کند اما اگر همچنان در حد اسناد باقی بماند، سال آینده دیگر فرصتی برای جبران نخواهد بود.

گندم در ایران صرفاً یک محصول زراعی نیست، بلکه شاخصی از ثبات اقتصادی و اجتماعی است. هرگونه اختلال در تولید یا تأمین آن، مستقیماً به سفره خانوار و به‌طور غیرمستقیم به بودجه دولت و ذخایر ارزی کشور منتقل می‌شود

بدعهدی شرکت وابسته به وزارت نفت، بازار دارو را آسیب پذیرتر کرده است

وضعیت در وزارت بهداشت سامان نیست

چیزی این را هم می‌گوید که وضعیت در وزارت بهداشت به سامان نیست: در زمینه انتقال ارز دارو و تجهیزات پزشکی یکی از شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نفت علیرغم تعهدی که به بانک مرکزی داده بود تا متأخر ارزهای خارجی را تأیین به صفر برساند، هنوز نتوانسته ارز را به تأمین‌کنندگان خارجی پرداخت کند و وضعیت بسیاری بدی ایجادشده است. می‌توان گفت ۵۰ درصد از مشکلات فعلی در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی ناشی از عملکرد همین شرکت است. مطالبه بیمه‌ها در برخی موارد از ۹ ماه گذشته و برخی مراکز درمانی بیش از دو سال است که بدهکارند. وقتی این حجم از بدهی وجود داشته باشد، امکانات به درستی میان مردم تقسیم نمی‌شود.

اودرباره تعهد این شرکت توضیح می‌دهد که بیش از ۵ ماه است که شرکت‌های تجهیزات پزشکی و دارو در برخی از موارد، ارز را از بانک مرکزی خریداری کرده‌اند؛ اما این شرکت نتوانسته ارزی را که شرکت‌های داخلی خریداری و تأمین کرده‌اند به تولیدکننده و تأمین‌کننده خارجی تحویل دهد؛ به عبارت دیگر، شرکت‌های تجهیزات پزشکی عملاً شرکت مذکور، بازار دارو و تجهیزات پزشکی دریاقت کرده نابسامانی عظیمی رخ داده است. در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی وضعیت خوب نیست. عده عمل به تعهد از سوی این شرکت را به مراجع نظارتی و قاضی مربوطه ارجاع خواهیم داد. این شرکت قرار بود تعهدی که در مجلس کرده بود را تا پایان آبان انجام دهد.

به گفته چیدری بدقولی‌های این شرکت فرصت جهانی ما را از بین می‌برد و پیامدهای آن در آینده، در بازار دارو و تجهیزات پزشکی نمایان خواهد شد. وی در پاسخ به این سؤال که چرا ارزیابی از وضعیت بازار دارودر سال آینده دارید؟ می‌گوید: حتی درباره بیمه‌ها توان پوشش نداشته و بدهی سنگینی به داروخانه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دارند. دکتر شهریار، رئیس کمیسیون بهداشت مجلس، اعلام کردند که دادستانی به این ماجرا ورود کرده تا برخی بیمارستان‌ها به دلیل فرسودگی و نبود استحکام کافی و وضعیت ناایمن تخت‌های بیمارستانی از پذیرش بیماران خودداری کنند.



غنی نمی‌شناسد و همه در برابر آن آسیب پذیرند. در این وضعیت هرچه بیماری درمان‌ناپذیرتر و خاص‌تر باشد، فشار چندبرابری و حتی چندده برابر بر بیمار وارد می‌شود». او عنوان می‌کند که در دوره‌هایی نتوانستیم برخی داروها را تأمین کنیم و مردم را به سمت بازار بسیار گران و دست‌نیافتنی و غیرقابل رؤیت هدایت کرده‌ایم؛ بازاری که نمی‌دانیم داروی آن اصالت دارد یا از طریق قاچاق وارد شده و مردم به دلیل اعتماد به نام یا بسته‌بندی آن را خریداری می‌کنند. در این بازار غیرقابل رؤیت، نظارتی روی دارو نیست و اگر شرایط نگهداری یا اصل آن دچار آسیب یا تقلابی باشد مصرف‌کننده قطعاً دچار آسیب می‌شود. داروخانه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دارند. دکتر شهریار، رئیس کمیسیون بهداشت مجلس، اعلام کردند که دادستانی به این ماجرا ورود کرده تا برخی بیمارستان‌ها به دلیل فرسودگی و نبود استحکام کافی و وضعیت ناایمن تخت‌های بیمارستانی از پذیرش بیماران خودداری کنند.

کاهش ارزش پول ملی و فقیرتر شدن بازار مصرف دارو

«علیرضا چیدری» رئیس انجمن تولید، تأمین، توزیع و صادرکنندگان تجهیزات پزشکی و دارویی استان تهران در گفت‌وگو با خبرنگار آلینامی‌می‌گوید: «همانطور که پیشتر دکتر عبداللهی رئیس اداره کل داروعوان کرده بود، حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ قلم از داروهای فوق حیاتی می‌بایستانی با کمبود مواجهند. به صورت کلی در سال‌های اخیر هواره حدود ۵۰ تا ۱۵۰ قلم دارو در کشور با کمبود مواجه بوده‌اند. درحال حاضر شاهد جهش نرخ ارز دارو و تجهیزات پزشکی هستیم که در برخی موارد از ۲۴۰۰ تومان به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است؛ که این عدد نشان‌دهنده چهار برابری برابری قیمت دارو است. این در حالی است که درآمد مردم افزایش نداشته البته به جز ۳۰ تا ۳۰ درصدی از جامعه که هر سال به حقوق‌هایشان اضافه می‌شود. آسیب ناشی از اختلاف میان درآمد مردم و هزینه‌های دارو قطعاً به بازار مصرف دارو وارد می‌شود». «رواقع ارزش پول ملی کاهش یافته است؛ نه اینکه ارز گران شده باشد. کاهش ارزش پول ملی باعث فقیرتر شدن بازار مصرف و افزایش رنج احتمالی آینده می‌داند. راهکاری برای تأمین پایدار داروی مورد نیاز مردم.

بیماران کاملاً واقعی و جدی است.» یونس عرب مدیرعامل انجمن تالاسمی ایران هم مختلف دارند، تبعات ناشی از تصمیمات مسئولان را تحمل می‌کنند. زندگی زیر سایه تحریم‌ها، دست و پنجه نرم کردن با انواع ناترازی‌ها و درنهایت کاستی‌ها برای تأمین نان و رزق روزانه گوشه‌ای از همین تبعات است که حالا وضعیت نامناسب دسترسی به دارو برای حفظ جان هم به آن اضافه شده است. این روزگار تلخ‌تر از ذهن تا آنجا رسیده که حیات هموطنان دارای بیماری خاص را به شدت تحت شعاع قرار داده است. ماندن امین‌افشار، رئیس هیات‌مدیره کانون هموفیلی ایران که درباره پایان یافتن ذخایر اضطراری داروهای بیماران هموفیلی هشدار داده و گفته است «در هفته‌های اخیر، اختلال در ورود داروآلوده‌های حیاتی شرکت CSL Behring به دلیل محدودیت‌های ناشی از تحریم متوقف شده؛ بیماران ما را در آستانه یک بحران جدی و تهدیدکننده حیات قرار داده است. ذخایر اضطراری داروخانه درمانگاه جامع هموفیلی در برخی اقلام حیاتی به پایان رسیده است و این یعنی اگر تأمین جایگزین‌ها با فاصله آغاز نشود، احتمال از دست رفتن جان شمار قابل‌توجهی از